

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نگارش: احمد برومند

۱۱ مارچ ۲۰۱۱

دیده در آئی حزب نامنهاد "کمونیست – مائونیست" (ارباب جمعه خان) و توطئه گری حواری "صادق" آن

حزب رسوا و ان جی او باز "کمونیست – مائونیست افغانستانی" در ابتداء در چوکات سیاست های مداخله گرانه و توسعه طلبانه حاکمان نظامیگر پاکستان به دست "جنرال موسی خان" یکی از رهبران ISI در وجود چند خود فروخته سکتاریست و چنگیزباز مثل "حسین" خائن (جمعه خان – ضیاء) و حواریون "صادق" وی "هسته" گذاری شده و در راستای اهداف ارتجاعی و عظمت طلبانه آن دولت به خدمت گرفته شد. باند رهبری و کادر های این به اصطلاح "حزب کمونیست – مائونیست افغانستانی" طی ده سال اشغال امپریالیستی کشور ما با پشتوانه و سابقه خدمت به ISI، در لجنزار "انجی اوئیسم" و تسلیم طلبی ملی غرق بوده و عملاً در خدمت اشغال کشور و تحمیل و تحکیم اراده برده ساز امپریالیستی، در سنگر اشغالگران قرار داشته اند.

تسلیم طلبی ملی و خیانت آشکار ضیاء و باند تحت رهبری وی به کشور، مردم و جنبش انقلابی افغانستان اظهر من الشمس است و موجی از افشاگری ها، محکومیت ها و اعتراضات را از جانب آحاد جنبش انقلابی کشور ما در پی داشته است. اخیراً حزب نامنهاد "کمونیست – مائونیست" ارباب جمعه خان – ضیاء در شعله جاوید انترنتی مذبحخانه و با دیده در آئی ویژه اش تلاش ورزیده تا در پاسخ به این موج افشاگری ها و حملات، به ضد حمله ای پرداخته و با انتشار «مکت کوتاهی در مورد "انجوایزم"»، به زعم خویش به چشم بینای مردم و انقلابیون کشور ما خاک بزند. اما تفاوت میان (ان جی او) بازی و تفکر و عملکرد تسلیم طلبانه ملی حزب ضیاء با چپ نمائی کاذب و شعار دروغین "تدارک جنگ خلق" آن به قدری زیاد است که هر دارنده عقل سلیم بر این چپ نمائی ناشیانه و گزافه گوئی آنان می خندد.

در آغازین روزهای اشغال کشور ما به وسیله امریکا و ناتو، به منظور شکستن روحیه رزمجویانه مردم افغانستان در مقابل تحمیل سلطه خونین استعماری و دمسازی مردم با آن، نهاد های مختلف استعمار امپریالیستی در کشور ما به کار افتیدند. به موازات حضور ارتش های اشغالگر و سازمانهای اطلاعاتی امپریالیستها و در پیشاپیش شان امپریالیسم امریکا، جهت تحقق اهداف پیشگفته، خواستند سازمانهای مختلفه را همچون NED،

USAID و OXFAM و سایرین با خیل مشاوران و مبالغ هنگفت دالر و یورو به کشور فلک زده ما گسیل داشته و شبکه عنکبوتی شانرا برای شکار مردم ما بگسترند. در نتیجه، درمدت کوتاهی موج وسیعی از "انجی اوئیسم" ساخت کشور اسپرما را درنوردید.

باند رهبری حزب ان جی او باز "کمونیست - مائونیست افغانستانی" به رهبری حسین خائن به حیث کمپرادور های سرخ در خدمت اشغالگران امریکائی و ناتوئی، یکی از جلو داران این حرکت سوجدویانه و خاینانه ان جی اوئی کشور محسوب میشود. از همان آغاز کار، ISI با ضمانت "اهلیت" رهبران و کادرهای این حزب، آنان را به NED و CIA معرفی کرد. در نتیجه، رهبران این حزب مخصوصاً ضیاء از برکت تضمین و دوستی دیرینه با ISI، اقبال دریافت پروژه های چندین ملیون دالری را نصیب شدند. آنها با ایجاد چندین NGO در بخش های مختلف به وسیله اعضا، تعدادی پروپوزال (پیشنهاد) را به سازمان (NED) و سازمانهای مشابه آن سپردند. با وجود چنین تضمین قوی از اهلیت شان به وسیله آی اس آی پاکستان، منظوری مقامات عالییه مؤسسات دونر یا تمویل کننده را دریافت داشته و به زودی کار شان بالا گرفت.

یکی از این ان جی او های خائن، فاسد و تاراجگر مربوط به "حزب کمونیست - مائونیست افغانستانی"، NGO ای است که به نام و مسؤولیت "انجنیر سید جاوید" (کادر و عضو کمیته مرکزی حزب حسین) به ثبت رسیده و شخص موصوف در رأس آن قرار دارد. عایدات سالانه این NGO سربه ده ها ملیون دالر میزند. طبق معلومات دقیق از منابع موثق وزارت پلان اداره مستعمراتی کرزی، بودجه یک ساله ان جی او سید جاوید ۲۳ ملیون دالر امریکائی ثبت دفتر آن وزارت بوده است.

در حالیکه حسین خائن (ضیاء) سردسته حزب نژاد پرست و تسلیم طلب به اصطلاح "کمونیست - مائونیست" ریاکارانه از سیاست رسمی حزب شان یعنی "انجی اوئیسم" و خدمت به اشغالگران امپریالیستی انکار میورزد، گفتنی است که پروژه ان جی او سازی حزب حسین خائن از ابتداء تا حال بی وقفه در حال پیشرفت و گسترش بوده است.

مزید بر این، حزب حسین خاین چندین ان جی او دارد، ولی او و یارانش با انکار آن به قول معروف میخواهند با لباس شان به چشم مردم بروند. آخر دیده درائی هم حدی دارد.

این حزب از برکت فعالیت های (ان جی او) ئی در بدل خیانت ملی و خدمت به اشغالگران امپریالیست، چنین گنجی را فراچنگ آورده و رهبر بورژوا - کمپرادور خائن آن (جمعه خان، حسین، ضیاء) با شرکای جرمش به قارون های زمان بدل شده و به شهادت حواریون "صادق" وی، به بزرگترین فئودال منطقه ارتقاء یافته است.

باز از برکت فعالیت های (ان جی او) ئی در بدل خیانت ملی و خدمت به اشغالگران امپریالیست، قارون های زمان این حزب رسوای "کمونیست - مائونیست"، پول های پاداش خیانت ملی و تاراج کشور ما را در چندین پروژه انتفاعی پردرآمد هوتلداری و سالون های مجلل عروسی در کابل اشغال شده سرمایه گذاری کرده اند. طبق معلومات دقیق، در آمد این هتل ها و سالون های مجلل ماهانه به ده ها هزار دالر میرسد.

از برکت همین (انجی اوئیسم) اقتصادی رهبران حزب بدنام مذکور در بدل خیانت ملی و تکامل آن تا عرصه (انجی اوئیسم) سیاسی است که سردسته های آن از جمله همان "انجنیر سید جاوید" مسؤل چندین ان جی او حزب در بدل خیانت به مام میهن و خدمت صادقانه به اشغالگران، به مثابه نور چشمی در نزد آنان جاه و مقام والاتر و مقرب تری کسب کرده است. این "انجنیر سید جاوید" در حالیکه خودش عضو کمیته مرکزی حزب نام نهاد و رسوای "کمونیست - مائونیست افغانستانی" است و در حالیکه رهبر آن حزب (ضیاء) علیه انجی اوئیسم ریاکارانه شعار

میدهد؛ به حیث نماینده با صلاحیت و مسؤول پروژه های ان جی او ئی آن حزب از طرف امپریالیستهای اشغالگر کشور ما در جنوری ۲۰۱۰ به کنفرانس های امپریالیستها در لندن و مونشن المان دعوت میشود. ببین تفاوت ره، از کجاست تا به کجا! اینست ریاکاری و منافقت باند رهبری حزب "کمونیست - مائوئیست افغانستان"! اینست نمونه مثال تضاد میان شعار میان تهی و عمل شعوری آنان!

علی رغم تنوع در رنگها و خاستگاه های بخش های مختلف بورژوازی کمپرادور، این سرشت مشترک همه آنان در "خدمت پیاده نمودن اشغال کشور"، تحکیم حاکمیت استعماری، استثمار خلق و تاراج هستی کشور است که جایگاه واحد آنها را تعیین میکند. اینجاست جایگاه اصلی و شایسته "حزب کمونیست - مائوئیست افغانستان" ان جی او باز حسین خاین به مثابه کمپرادور های سرخ!

(سازمان انقلابی افغانستان) در مورد ماهیت و اهداف این NGO های تاراجگر مینویسد: "در افغانستان بالاترین درآمد را ان جی اوها دارند و «هیچ انجی اوئی نیست که دم آن زیر پای جاسوسان غربی نباشد. سران این ان جی اوها از درآمدهای گسترده و وسیعی برخوردار می باشند که در قطار بورژوازی کمپرادور قرار می گیرند."

در حالیکه در اول ماه حمل سال جاری ۱۳۸۹ش من (احمد برومند) در نوشته ای تحت عنوان "محاکمه سروری جنایتکار و هیاهوی طالبان" مائوئیست افغانستان" (منتشره پورتال وزین افغانستان آزاد - آزاد افغانستان مؤرخ ۱۵ اپریل ۲۰۱۰م) در مورد پیشینه سیاه و ننگین "حجت الاسلام کمونیست" حسین خائن، در مورد خمینی پرستی وی و در مورد رقصیدن او زیر دهل نواب صفوی، در مورد چنگیز بازی حسین و حواریون صادق او و سجده شان در مقابل تمثال چنگیز خان در لانه جاسوسی به نام "تنظیم نسل نو هزاره"، جاسوسی حسین و حواریون نژاد پرست صادق او به ISI پاکستان، خیانت به ساما و خدمت صادقانه به امپریالیستهای متجاوز و اشغالگر امریکائی و شرکاء در دوره اشغال کنونی افغانستان و تسلیم طلبی وانجی اوئیسم آنها و اخذ میلیون ها دالر از سازمان جاسوسی امریکائی NED و سائر موارد عملکرد خائنانه آنان، روشنی انداخته و پرده از سیاه کاریها و خیانتهای رهبران آن حزب بدنام و مخصوصاً همه کاره آن ارباب جمعه خان قره باغی و حواریون صادق آن برداشتم. در آن نوشته من سؤالات زیادی را در مورد مسائل متذکره فوق به رهبر بورژوا - کمپرادور آن حزب (ضیاء) و حواریون شریک جرم او برای پاسخ دادن به مردم و جنبش انقلابی کشور مطرح کردم که تا حالا به جواب آن نپرداخته اند و هر بار هم استاد شیدان شان و هم حواریون صادق او از پاسخ گفتن به سؤالات من طفره میروند و در عوض، مسایل حل شده و سوخته این و آنرا نشخوار مکرر میکنند و نفرت مردم را نسبت به خود می افزایند. سؤال را باید با پاسخ مربوطه جواب داد نه با حاشیه روی مبتذل.

تا حال تفکر و عملکرد تسلیم طلبانه و خاینانه رهبران و کادر های حزب نام نهاد "کمونیست - مائوئیست افغانستان" با عکس العمل گسترده جنبش چپ کشور مواجه شده و نوشته های افشاگرانه و روشنگرانه ذیل به وسیله منسوبین جنبش انقلابی افغانستان علیه آن به نشر رسیده است:

- "سازمان پیکار برای نجات افغانستان (اصولیت انقلابی پرولتری) در مورد انحرافات ایدئولوژیک - سیاسی و ان جی او بازی این حزب و رهبران آن در سالهای ۲۰۰۵ و یا ۲۰۰۶ طی جزوه ای چاپی این موضوع را مفصلاً به بحث گرفته است.

- "محاکمه سروری جنایتکار و هیاهوی طالبان" مائوئیست افغانستان" (منتشره پورتال وزین افغانستان آزاد - آزاد افغانستان مؤرخ ۱۵ اپریل ۲۰۱۰) نوشته احمد برومند.

- نوشته ای تحت عنوان "حزب کمونیست مائوئیست افغانستان انجوایزم یا گسست از مارکسیزم" از طرف "سازمان انقلابی افغانستان" منتشر شد که در آن قویا روی مسلط بودن انحراف انجو بازی بر حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان تاکید به عمل آمده است. "منتشره پورتال وزین افغانستان آزاد - آزاد افغانستان).

- "بحران جنبش بین المللی کمونیستی... و نظرات و مواضع ما در قبال آن" منتشره سایت پیام آزادی. از "گروه پیکار برای نجات مردم افغانستان (م ل م)"

هكذا افشاگریهای درونی شان توسط منشعبین حزب نیز در مطبوعات انعکاس یافته است.

با این همه اسناد به جای پاسخدهی مستند و مستدل به این اتهامات و نوشته های افشاگرانه و تماس روی محتوی هر یک از آن نوشته ها، رهبر بورژوا - کمپرادور آن حزب همچون فرعون زمان با مکث کوتاهش کوشیده با حاشیه روی، دشنام و ناسزا و "معلومات سوخته" خواندن آن حقایق آفتابی و موجود و با چپ نمائی کاذب و سر دادن شعار دروغین، به چشم منسوبین جنبش انقلابی کشور خاک پاشیده و کماکان در نقش کمپرادور بیسم سرخ در خدمت به امپریالیستهای اشغالگر مصروف زر اندوزی و خیانت به مام میهن باشد.

رهبر بورژوا - کمپرادور حزب بد نام "کمونیست مائوئیست افغانستانی" ضمن اعتراف به "جایز الخطاء" بودن شان با سرزنش "شاگردان نادان" خود به خاطر افشای راز های درونی حزب و منابع تمویل کننده آن در عین ندبه و زاری، از حواریون صادق مغضوب "مائوئیست" خود دعوت میکند به "حزب واحد کمونیست مائوئیست افغانستانی" بپیوندند و منبع خویشتنداری را مراعات کرده و پیوند مشترک خیانت کاری را ارج بگذارند و راز درونی "خودی" را بیشتر از این به "بیگانه"ها (انقلابیون واقعی کشور) افشاء نکنند. در عین حال ارباب حسین خائن این حجت الاسلام "کمونیست" در کمال برافروختگی در مقام داروغه "جرگه" مارکسیت - لنینست - مائوئیست ها "بر سازمان انقلابی افغانستان میتازد که چرا محتوی "دشنام نامه ضد حزبی" برومند را تأیید کرده است و برای آن سازمان تعیین تکلیف میکند که با کی رفاقت کند و از کی دور باشد. چه پر روئی مشمنز کننده ای! بس کنید افتضاح را! کمی بر محتوای آن افشاگری ها (از احمد برو مند، سازمان انقلابی افغانستان، گروه پیکار برای نجات مردم افغانستان و...) تماس بگیرید و به سؤالاتشان پاسخ بدهید.

باند رهبری حزب ان جی او باز "کمونیست - مائوئیست افغانستانی" به رهبری حسین خائن، در مکث کوتاه شان در شعله جاوید انترنتی در مورد انجی اوئیسم به عنوان سیاست رسمی و حاکم باند رهبری آن حزب، خیلی ریاکارانه وشعبده بازانه میخوانند آفتاب را به دو انگشت پنهان کنند. به اظهارات دروغین شان در مورد انجی اوئیسم توجه فرمائید:

"حزب کمونیست (مائوئیست) افغانستان هیچگاهی صاحب انجو نبوده و مسئولیت پیشبرد کار ها و سازماندهی هیچ انجوی را بر عهده نداشته است. هم اکنون حتی یک فرد منسوب به حزب، حتی در سطح یک عضو عادی حزب، در کار های سازماندهی انجویی سهم و نقش ندارد."

ای وای! اینها دیگر از چه قماش هستند؟! این دیگر از دیده درآئی هم گذشته و چشم پارگی است.

آخر مگر میشود ان جی او های "انجنیر سید جاوید" عضو کمیته مرکزی حزب نام نهاد و رسوای "کمونیست - مائوئیست افغانستانی" را با ملیونها دالر بودجه و هزار و یک رشته پیوند به اشغالگران نادیده گرفت؟ مگر انکار از همچو موجودیت رسوا و علنی ممکن است؟؟؟ این نور چشمی اشغالگران و دارای جاه و مقام که به حیث نماینده با

صلاحیت حزب تان از طرف امپریالیستهای اشغالگر کشور ما در جنوری ۲۰۱۰ به کنفرانس های امپریالیستها در لندن و مونشن المان دعوت و با تشریفات بالا برده میشود، کیست؟؟؟ و رابطه شما و حزب تان را با او چگونه تعریف میکنید؟؟؟ آیا او با داشتن چنین رابطه، جاه و مقامی در نزد امپریالیستها هنوز هم کمونیست - مائوئیست است؟؟؟ حزب تان با سید جاوید و پروژه های ان جی اوئی ده ها میلیون دلاری او چه رابطه ای دارد؟؟؟ موضع شفاف و روشن رهبری حزب تان مشخصاً در مورد وی چیست؟؟؟ امید وارم که شما به جای حاشیه روی و قبل از همه چیز، این سؤالات را به منسوبین جنبش انقلابی کشور ما پاسخ بدهید.

وقتی زنده یاد استاد "یوسف مومند" از ان جی اوئیسم به عنوان مشی مسلط بر حزب رسوای "کمونیست - مائوئیست افغانستانی" و شرکت کادر فعال، عضو کمیته مرکزی و نماینده با صلاحیت حزب تان "انجنیر سید جاوید" در کنفرانس های امپریالیستها در لندن و مونشن المان به عنوان وزیر دست راست کرسی در ماه جنوری ۲۰۱۰ با خبر شد، در کمال حیرت، خشم و انزجار به حق خود را در مورد سید جاوید و باند رهبری بورژوا - کمپرادور ارباب حسین چنین ابراز داشت:

" آدم از شنیدن این حرف ها شاخ می کشد. کجای این عمل کمونیستی است و این عمل اینها چه ربطی به کمونیسم دارد. این عمل ضد کمونیسم است." این سخنان استاد یوسف مومند است که چند روز قبل از مرگش در بستر بیماری در مورد باند رهبری حزب نام نهاد و رسوای "کمونیست - مائوئیست افغانستانی" و نماینده با صلاحیت آن در کنفرانس های امپریالیستهای اشغالگر بیان شده است. این سخنان را برومند جعل نکرده و استاد یوسف هم مستقیماً آنرا به برومند اظهار نکرده است. این سخن را دوستان محرم راز آن زنده یاد از زبان خود وی قبل از مرگش شنیده اند که همه حی و حاضر اند. در حالیکه حزب تان و باند رهبری آن سالوسانه از آن زنده یاد به حیث رفیق تان یاد می کنید، نظر تان در مورد قضاوت استاد مومند در حق شما چیست؟؟؟

در نوشته های قبلی، من ضمن افشای ماهیت تفکر نژاد پرستانه و کارنامه های سیاه و ننگین حسین خائن و خیانت آشکار ملی وی، در مورد گذشته و حال حواریون و شرکای جرم هم کیش و هم کیسه کلانترحسین در جرگه تک فردی "مائوئیست های افغانستانی" و روی دلیل عناد ورزی و کینه شتری عناصر هزار چهره در آن جرگه سکتاریستی و نژاد پرست نسبت به "ساما" نیز روشنی انداختم. در آن دو نوشته من سؤالات زیادی را از ارباب حسین و حواری "صادق" وی در مورد چنگیز بازی مشترک استاد و شاگرد، در مورد خیانت مشترک شان به ساما، جاسوسی به آی اس آی و رقصیدن زیر دهل جنرال موسی خان پاکستانی، گرفتن پول های گزاف از NED و نزاع بر سر تقسیم آن و مغضوب شدن شاگردان نادان به وسیله استاد شیداد و گند رسوائی آن و موارد دیگر... پرسیدم که پس از گذشت یکسال نه استاد "جایز الخطاء" و نه هم شاگرد "صادق" او موفق به ارائه پاسخ شده اند.

صادق هزار چهره به جای ارائه پاسخ مستدل و منطقی به سؤالات مطروحه و تماس روی محتوای نوشته ام مثل استاد شیدادش به حاشیه روی پرداخته به جای آنکه روی مضمون نوشته تمرکز کند، بیشتر در فکر نویسنده آن است. جهت شناسائی نویسنده، شفق کاذب به مدد قرینه سازی و گمانه زنی و اندوخته های استخباراتی اش در دبستان آی اس آی گویا به کشف چهره حقیقی احمد برومند نایل شده است!!! اینبار شفق ناصدق دو فرد حقیقی را با هم اشتباه گرفته و «سید حسین موسوی» را به جای «احمد برومند» عوضی میگیرد. در حالیکه هم «سید حسین موسوی» و هم «احمد برومند» افراد جداگانه حقیقی اند، ولی "شفق ناصدق" فکر میکند دیگران نیز به مانند خودش آدم های هزار چهره اند. او مینویسد:

" طور نمونه به مقالات احمد برومند (سیدحسین موسوی) در وب سایت "افغانستان آزاد" مراجعه کنید. در آنجا ببینید که آقای موسوی با چه واژه ها و چه اتهامات دروغین بر ما حمله میکند ...".

من به پورتال وزین افغانستان آزاد- آزاد افغانستان و به ویژه به آقای سید حسین موسوی تبریک میگویم که کار اصولی و پربارشان بر شاهرگ منحرفین رنگارنگ اثر گذاشته و پیغ شانرا بلند کرده است. متصدیان دانشمند پورتال نیک آگاه اند که مورد حمله این قماش آدمک ها قرار گرفتن به معنی آنست که پورتال به عنوان یکی از سنگرهای اصولی مبارزه خود را تثبیت کرده است که تداوم و استواری بیشترش را آرزو میکنیم.

صادق هزار چهره در ادامه جعلنامه اش خاکباده راه می اندازد تا مطالب را خلط کند. او با خاکستر بازی میخواهد گرد دامن خود ویا کسان دیگری را به دامن این و آن بنشاند، که اصلاً مقدر نیست.

اگر بپذیریم که فرد یا افراد مسؤول نظر و عمل فردی خویش اند، در آنصورت آنانیکه « نماد» تسلیم و سجود در پای اهریمن ملی و اجتماعی اند، خود مسؤول و جوابده تفکر و عملکرد خویش اند. سامائی های راستین نه در مقابل آنان که نماد تسلیم و سجود اند، مسؤولیتی دارند و نه هم در مقابل تو و استاد شیداد که برای جلب نظر جنرال موسی خان و اربابانش در مقابل تمثال اهریمن آدم روی (چنگیز خان) به سجده افتیدید. سامائیهها قویاً هر دو را محکوم و مواخذه میکنند! نه نماد سازی تسلیم و سجود کسی و نه هم تسلیم و سجده تو و استاد شیداد حسین خائن ربطی به ساما و سامائی های راستین و انقلابی دارد.

صادق خان! چنانکه همه میدانند و من هم در مقابل یاهو سرائی های کهنه و تکرار در تکرار ت قبلاً مفصلاً نوشتم که ساما در گذشته قاطع ترین و انقلابی ترین برخورد ممکن را در رابطه به پدیده تسلیم طلبی داشته و در همان زمان اجراءات عملی فیصله های کنفرانس سرتاسری ساما را از طریق عملیات " **یا مرگ یا آزادی!**" کرده و آن لکه را از دامن خود دور انداخته است. درین مورد اسناد زیادی از ساما وجود دارد و نوشته اولی من هم به قدر کافی در زمینه و وضاحت دارد. استاد شیداد حسین خائن تمام این مطالب و ادعا های مرا میداند و در آن زمان آن تصاویر ساما علیه تسلیم طلبی را پذیرفته است. هیچ شعبده بازی نمیتواند که آن حقایق را وارونه جلوه داده و از انظار پنهان بدارد. حالا که حدود سی سال از آن گذشته ، اگر قرنها هم از آن بگذرد آن اسناد و عملکردها را هیچ شیدای نمیتواند انکار کند.

در مورد همکاری با اداره مستعمراتی و پوشالی کابل چنانچه قبلاً نوشتم، هر کسی، منجمله از سامائی ها که در کشور اسیر و اشغال شده ما آن اصل زرین مجید " **بریده باد زبانی که در برابر تجاوز امپریالیسم خاموش بماند!**" را نقض کند از نظر رهبران، کادر ها و اعضای صدیق و مبارز سامای انقلابی برده های بی وجدان و زبان بریده ای بیش نیستند!!! هر گونه همکاری با دولت پوشالی کابل و اشغالگران امپریالیست (سواى کارگران و کارمندان پائین رتبه و مجبور دولتی) در رده های بالا با هر انگیزه ای، از نظر رهبران، کادر ها و اعضای صدیق و وفادار به خط مشی مبارزاتی گردان انقلابی ساما مثل گذشته، در حکم تسلیم طلبی ملی و خیانت ملی بود و مسلماً دیر یا زود محاکمه و محکومیت تاریخی عاملان آنرا در پی خواهد داشت.

در مورد ادعای دروغین و بی بنیاد صادق هزار چهره مبنی بر دادن " هویت و شهرت مکمله افراد به دستگاه های اطلاعات امپریالیسم و ارتجاع" توسط من؛ باید به صراحت بنویسم که صادق خان آدرس را مغالطه میکند. این کار را شما و حزب تان سالهاست که به عهده گرفته اید. سری به "شعله جاوید" انترنتی و اسناد منتشره خودتان بزنید و به ببینید که چه افشا گریهائی که نکرده اید، چه نام های مستعار و موقعیتهای تشکیلاتی مخفی را آشکار نساخته اید. حال که تم خودتان در دامی که خود شانده اید گیر کرده است فریاد وا اصولا سر میدید(!!!). این دیگر مسخره تر از

مسخره است. در صورتی که باند رهبری و کادر های بلند رتبه حزب ان جی او باز "کمونیست - مائونیست افغانستانی" و در پیشاپیش آنان ارباب حسین بورژوا - کمپرادور و حواریون "صادق" نژاد پرست او همه از صدر تا ذیل خود شان مولود و زاده زراد خانه ایدئولوژیک - سیاسی دستگاه های اطلاعات امپریالیزم و ارتجاع باشند، در آنصورت ضرورت معرفی آنان به عنوان مولود این زرادخانه ها مطرح هست و من افتخار ملی و انقلابی خود میدانم که این کار را کرده ام. طالبچه و اعظ بی عمل و نا "صادق" در حالیکه از معرفی عمال دستگاه های اطلاعات امپریالیزم و ارتجاع در باند رهبری حزب حسین و جرگه تک نفره سکتاریستی "مائونیستهای افغانستانی" به وسیله برومند شاکی است، خودش از برکت علم استخباراتی به کشف چهره حقیقی «سید حسین موسوی» در و جود «احمد برومند» رسیده و از سامانی ها در چهار کشور غربی بی محابا تذکر میدهد. به این آدم میگویند کورخود بینای مردم!

من و سامانی های پیرو اخلاق انقلابی مجید و پیرو برنامه ساما هیچ گاهی به خواهر و مادر، زن و فرزند کسی (چه دوست، چه دشمن) فحش و ناسزا نگفته و نمیگوئیم. من در حالیکه باند رهبری ارباب حسین و حواریون صادق وی را "انقلابیون کمونیست" نه، بلکه "ارتجاعیون ضد کمونیست" میدانم، اما اخلاق انقلابی ام به من این اجازه را نمیدهد که به خواهر و مادر، زن و فرزند شان فحش و ناسزا بدهم.

در مورد عبودیت و بی غیرتی صحابه مائونیست در مقابل "صدر حزب" (ضیاء) من در نوشته اولی ام در نوروز همین سال نوشته بودم:

" صحابه بی غیرت "مائونیست" حینیکه وی زن و فرزند شان را دشنام میدهد، در نوشته هایشان او را "رفیق ض" و "صدر حزب" خطاب میکنند. آنها بدین باور سخیف اند که چون "رفیق ضیاء" صدر حزب است، از حق دشنام دادن به زن و فرزند شان هم برخوردار! این بالاتر از جبونی، نشانه عبودیت و برده گیت و دال بر "دهن پرآب بودن" حواریون "صادق" نزد استاد است. و من این ادعا را به روایت شکایات مکرر خود تان مبنی بر دشنام دادن زن و فرزند تان به وسیله صدر حزب رفیق تان ضیاء کرده بودم و آن نوشته های تان در اینترنت و خارج از اینترنت موجود است. مسؤولیت آن دشنام متوجه "رفیق دانشمند" تان ارباب جمعه خان بورژوا - کمپرادور است، نه من. من خواستم که غیرت تان را در دفاع از ناموس تان در مقابل دشنام های استاد شیاد و صدر حزب تان که خود تان در نوشته های تان از آن یاد کرده بودید برانگیزم؛ ولی شما دیر جنبیدید و بیجا آنرا به من نسبت میدید. ببینید هنوز هم جرأت نمی کنید در برابر فحش و ناسزای استاد تان بایستید.....

تا نوبتی دیگر...

احمد برومند کابل افغانستان ۱۹ حوت ۱۳۸۹ شمسی برابر با ۱۰ مارچ ۲۰۱۱ میلادی